

خواندنگان

دازی



عملاً داروساز به عنوان یک فروشنده و یا بهتر بگوییم صاحب معازه تلقی می‌شود. همه کارها را «نسخه‌پیچ‌ها» انجام می‌دهند. از دریافت نسخه‌ها از بیماران تا مشاوره‌های دارویی! عملاً جای یک داروساز را پر کرده‌اند! بی‌خود هم نیست که بعضی از آن‌ها ادعای داروساز بودن دارند و احساس می‌کنند که به آن‌ها در عدم اجازه برای راه تاسیس داروخانه ظلم شده است! این در حالی است که مسایلی چون تجویز داروها به بیماران و به طور کلی مسایل مربوط به بالین مربوط به داروسازان می‌باشد و عملاً نباید اجازه داده شود که فرد دیگری در کار آن‌ها دخالت کند و به اصطلاح درمورد مسایل فنی با آن‌ها بحث نماید. از طرفی در بیشتر موارد زمانی که یک داروساز با پزشک تماس گرفته و موضوعی مانند تداخل دارویی را با او در میان می‌گذارد، در

■ مشکلات داروخانه‌ها و کمبودهای آموزشی سرکار خانم دکتر گلنوش ب، طی نامه‌ای برای ماهنامه دارویی رازی در مورد مشکلات داروخانه‌ها و کمبودهای آموزشی چنین نوشت‌اند:

«... واقعیت این است که بیش از ۸۵ درصد داروسازان برای ادامه زندگی، اقدام به راهاندازی داروخانه می‌کنند و داروخانه برای داروسازان حرف نخست را می‌زنند. از طرفی، داروخانه‌داری به عنوان یک حرفه مادام‌العمر برای داروسازان مطرح است. این موضوع را از دو جهت می‌توان مورد بررسی قرار داد: مسؤولان و داروسازان.

یک داروساز در داروخانه‌ها باید بر تمام فعالیت‌های داروخانه نظارت داشته باشد، مهم‌تر از همه این که باید به بیماران مراجعه‌کننده در داروخانه به خوبی رسیدگی کند اما در داروخانه‌ها

بیشتر موقع با بی توجهی پزشک مواجه می شود و تشخیص داروساز را کم اهمیت جلو می دهدن. اما مشکل کجاست؟ چه شده است که این گونه به کارهای داروسازان آن هم از نوع منفی اش با دقت توجه می شود؟ واقعیت این است که در ایران رشته داروسازی کمتر از هر کدام از دیگر رشته های دکتر عمومی به مسایل بالینی مربوط می شود. به عبارتی دیگر، کمتر از ۲۰ درصد کل مطالب آموزشی در دانشگاهها در ارتباط با مسایل بالینی و از جمله داروخانه ها است ولی بیشتر فعالیت های داروسازان پس از فارغ التحصیلی حول فعالیت در داروخانه ها می چرخد و داروسازان با آموزش کم و البته نادرست به حال خود رها شده اند. به دلیل آموزش های بسیار ضعیف دانشگاهها عملاً داروسازان جوان برای داروخانه داری دست به دامن افرادی موسوم به نسخه پیچ می شوند تا با استفاده از تجربه های چندین و چند ساله آن ها در راه اندازی و ایجاد داروخانه به آن ها کمک کنند و در نتیجه عملاً همه کارهای داروخانه ها را نسخه پیچ ها انجام می دهند. وقتی که داروسازی با کار کمتر همان میزان درآمد را داشته باشد با خود می اندیشد که بهتر است که اصلاً کار نکند! این موضوع آنقدر ادامه پیدا می کند که تقریباً تبدیل به یک فرهنگ می شود! انگار که ما عادت کرده ایم جای ارزش ها و ضد ارزش هایمان را عوض کنیم!

حال این سؤال پش می آید که بالاخره باید چکار کنیم؟ آیا اصلاً رغبتی برای ایجاد تغییر وجود دارد؟ همان طور که برای هر تغییری نیاز به زمان هست نباید زیاد عجله کنیم. زیرا، که تغییر دهنده گان وضعیت موجود قطعاً از میان داروسازان قدیمی

نخواهند بود و باید منتظر فعالیت داروسازان جوان در این زمینه باشیم اما این داروسازان جوان نیاز به آموزش دارند. اگر قرار است داروساز داروخانه دار تحويل جامعه دهیم باید بیشتر در این زمینه فعالیت کنیم. باید مسئولان بیشتر در امر آموزش مدیریتی به دانشجویان داروسازی مبادرت ورزند تا حل مساله مدیریت غلط از دانشگاهها شروع به اصلاح شود و به تدریج به متن جامعه نفوذ کند اما آیا تنها این موارد می تواند به داروسازان در قطع ید افراد غیر حرفه ایی به این حرفه کمک کند؟ این که داروسازان داروخانه ها را به حال خود واگذارند و به دست «نسخه پیچ» ها دهند خود باعث ایجاد متاستاتیک مشکلات برای داروسازان می شود. به نظر باید مسئولان بیش از این ها بر حضور داروسازان در داروخانه ها نظاره کند، الزام به قرار دادن اتیکت با عنوان «داروساز» یا «مسئول فنی» برای داروسازان در داروخانه ها می تواند این کم کاری را از طرف داروسازان حداقل بیشتر از اینی که هست نکند. از طرفی، مسئولان باید با بیشتر کردن میزان تبلیغات و فرهنگ سازی در مورد وظایف داروسازان قشر «عامه» جامعه را با وظایف داروسازان و حقوق بیماران آشنا کنند. شاید با این کارها بتوان کمی به وضعیت اسفبار داروسازی و داروخانه داری رسیدگی کرد و این امید کار و ادامه تحصیل در حرفه جذاب داروسازی را ممکن سازد ...»